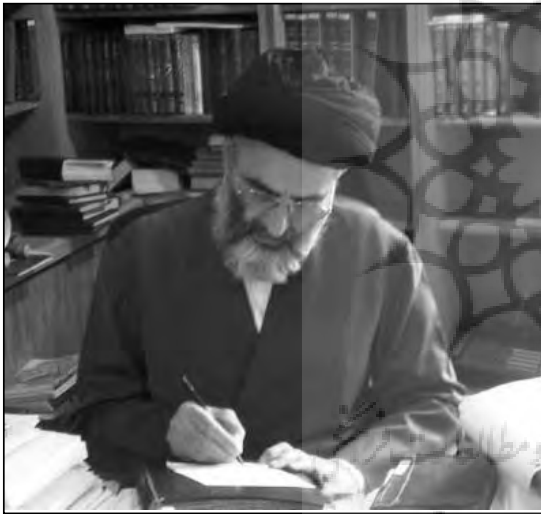


مراسم افتتاح کتابخانه اسکندریه در گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی



کهن مصر بود. تبلیغات بیشتر در جهت تفهیم این سوژه و نه در جهت نشان دادن ابعاد کتابخانه بود.

شرکت در این مراسم نکته‌ای را برایم مبرهن ساخت و آن نبود تبلیغات در زمینه کتابخانه‌های غنی ایران است. در کتابخانه‌های ما چه آثار نفیس و عظیم و چه مکتوبات گران سنگ و چه نسخه‌های نادر در علوم و فنون مختلف وجود دارد. اما به خارج حتی داخل کمتر معرفی شده است. می‌توان گفت کتابخانه‌های ما واقعا غریب هستند. مثلا چند درصد اهل تحقیق و فرهنگی‌ها حتی در قم از گنجینه نفیس کتابخانه آیت الله العظمی نجفی مرعشی اطلاعات واسع دارند؟

در مصر کتابخانه‌ای که در دو هزار و هفتصد سال پیش وجود داشته، مجددا احیا می‌کنند و آن را سوژه و زمینه مناسبی برای معرفی فرهنگ و تمدن خود می‌یابند و اقدام به تبلیغات وسیع و پر دامنه‌ای می‌کنند. متصدیان فرهنگی ایران نیز

جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی رئیس محترم کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی در قم، با دعوت رسمی در مراسم افتتاح کتابخانه اسکندریه حضور داشت. ایشان تنها نماینده شرکت کننده ایرانی در آن مراسم بود. پس از ورود به ایران به منظور استفاده از اطلاعات شان، درخواست مصاحبه با ما را با استقبال گرم پذیرفت. به عنوان اولین سوال، راجع به انگیزه و علت تأسیس این کتابخانه توسط دولت مصر بفرمایید؟

دولت مصر به منظور احیای کتابخانه اسکندریه که پیش از اسلام در شهر اسکندریه و در کنار دریای مدیترانه تأسیس شده بود، به تجدید بنای آن پرداخت. شهر اسکندریه توسط اسکندر پایه گذاری شد. این شهر در ۲۲۰ کیلومتری قاهره واقع شده است. با گسترش اسلام در دوره خلافت عمر و سیطره مسلمانان بر مصر، این کتابخانه هم به دست آنان افتاد. نماینده خلیفه تصرف کتابخانه و وجود کتابهای غیر اسلامی در آن را به مرکز گزارش داد. دستور خلافت مرکزی آتش زدن کتابخانه بود. پس از آن حادثه، از آن کتابخانه هیچ چیز به جز چند قطعه سنگ باقی نمانده است. پس از قرن‌ها، عده‌ای از متفکران و مورخان مصری پیشنهاد احیا و تجدید بنای این کتابخانه را به دولت دادند. آنان معتقدند که این کتابخانه مظهر فرهنگ و تمدن مصر باستان است. دولت حسنی مبارک این پیشنهاد را پذیرفت و از چند سال قبل اقدام به احداث ساختمان و برنامه‌ریزی جهت تأسیس کتابخانه نمود.

علت اهتمام بیش از حد دولتمردان مصر به این کتابخانه چه بود؟ پروژه این کتابخانه چه مزیت‌ها و شاخصه‌هایی داشت که توجه بیش از حد آنان را جلب کرد؟

به نظر من دولت مصر بیشتر به تبلیغات پرداخته بود. خود کار و واقعیت کتابخانه این قدر بزرگ و گسترده نبود. البته سوژه انتخابی برای آنها محرک و زمینه تبلیغاتی خوبی فراهم آورده بود. این سوژه همان تأکید بر تمدن چند هزار ساله و فرهنگ

شرکت‌های بسیار مهم فرستاده بودند. در نهایت یک کنکور انتخاب بهترین نقشه گذاشتند و نقشه‌ای را برنده اعلام کردند. راجع به منابع مالی می‌توان از کمک‌های مردم مصر، کشورهای اروپایی و آمریکا، کشورهای آسیایی و کشورهای عربی به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس و یونسکو و نیز هزینه‌های خود دولت مصر یاد کرد.

از ایران چه کسانی دعوت شده بودند؟

از ایران فقط من بودم و به صورت رسمی به عنوان رئیس کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی دعوت شده بودم. چند روز پیش از رفتن با ریاست محترم جمهوری جناب آقای خاتمی ملاقات داشتم و ایشان گفتند اگر جو و شرایط مناسب بود می‌توانی بگویی نماینده ایران هم هستی. من هم نمایندگی خود از ایران را اعلام کردم. البته به دلیل شهرت و معروفیت کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی در خارج و اینکه مرا به آن عنوان می‌شناسند، دعوت شده بودم.

یونسکو به عنوان یک سازمان فرهنگی و دیگر نهادهای فرهنگی مصر یا دیگر کشورها در تأسیس و مراسم افتتاح کتابخانه چه نقشی داشتند؟

یونسکو فعالیت زیادی در مراحل مختلف شکل‌گیری این کتابخانه داشته‌است. آقای جلالی، نماینده ایران در مقر یونسکو در پاریس، نیز شرکت کرده بود. البته رئیس یونسکو نیامده بود. همچنین ایسکو که نهادی فرهنگی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی است نیز کمک و مساعدت کرده‌است. سازمان دولت‌های عربی (منظمه الدول العربیه) نیز نهادی فرهنگی به نام الایسکو دارد که تلاش بسیار انجام داده بود. به ویژه اینکه مقر این سازمان در مصر (قاهره) قرار دارد و دولت مصر تسلط کافی بر آن دارد. دارالکتب که کتابخانه ملی مصر است، دانشگاه قاهره، دانشگاه الازهر، دانشگاه عین شمس و مجمع اللغه العربیه از دیگر ارگانها و نهادهایی بودند که از ابتدای شکل‌گیری این کتابخانه مساعدت و امدادهای فراوان داشتند.

تعداد مجلدات یا عناوین کتب و آمار نسخه‌ها چگونه است؟
به منظور افتتاح مجبور بودند تعدادی کتاب در قفسه‌ها بگذارند از اینرو کتابهایی را از شهرداری اسکندریه و از جاهای دیگر جمع‌آوری کردند. هم اکنون حدود نیم میلیون کتاب چاپی و شش هزار و دویست دستنوشته وجود داشت. این حجم در ابتدای شروع کارشان بود.

افراد و شخصیت‌ها یا هیئت‌های مهم شرکت‌کننده در افتتاح چه کسانی بودند؟

۲۵۰ صندلی برای شخصیت‌های برجسته بود. اما مهمانان

می‌توانند از سوژه‌های بهتری که در ایران داریم بهره‌برداری کنند. بهر حال دولت مصر و متصدیان شهر اسکندریه، مراسم را بسیار سنگین برگزار کردند. تمام شهر را سه روز تعطیل کردند. حتی تاکسی‌ها حق تردد نداشتند. از نظر امنیتی تدابیر وسیع و گسترده به کار بسته بودند. تمام کانالهای رادیو و تلویزیون مصر به پوشش دادن خبری و گزارش‌های مراسم افتتاح مشغول بودند. خبرگزاری‌های مهم جهان نیز آمده بودند و برای این رخداد تاریخی گزارش و فیلم تهیه می‌کردند.



راجع به ساختمان کتابخانه که در گزارش‌های خبری در توصیف آن فراوان گفته‌اند و منابع مالی ساختمان سازی و کلا منابع مالی تأسیس کتابخانه بفرمایید؟

این ساختمان دقیقاً جای کتابخانه کهن ساخته شده‌است. چشم‌انداز زیبایی بر اساس معماری جدید دارد. سقف آن به شکل خورشید به صورت دایره نور افشانی می‌کند. بعضی قسمت‌ها بر اساس اهرام مصر طراحی شده‌است. همانگونه که چند طبقه اهرام زیر زمین است چهار طبقه از یازده طبقه این کتابخانه در زیر زمین واقع شده‌است. رئیس جمهور کنونی مصر، در ده سال پیش، کنگلگ تأسیس آن را به زمین زد. متأسفانه یا خوشبختانه از معماری اسلامی در مهندسی این ساختمان خبری نیست. شاید به دلیل اینکه مربوط به قبل از اسلام می‌شده‌است. معماری آن را به مناقصه گذاشته بودند. بیش از یکصد نقشه و طرح جامع از تمام نقاط جهان و از سوی

تمام چراغ‌ها را خاموش کردند و هفتصد دختر بچه روی قفسه‌های کتابخانه موسیقی کر اجرا کردند. این بسیار شبیه یک سالن تئاتر و سینما بود.

برخورد مدیریت افتتاح با شما چگونه بود؟

همینکه مرا از ایران دعوت کرده بودند، معلوم است می‌خواستند احترام گذاشته باشند. اما از هر کشور برای سخنرانی چند دقیقه‌ای دعوت می‌کردند ولی از من دعوت نشد. من ۱۵۰ جلد کتاب برده بودم که به کتابخانه هدیه کردم. البته آقای سید صادق خرازی قبلا در سفر به مصر، حدود ۱۰۰۰ جلد کتاب فارسی هدیه کرده بود. مدیریت کتابخانه کل موجودی فارسی را همین عناوین هدیه‌ای مزبور می‌دانست و می‌گفت عنوان فارسی دیگر نداریم. قرار شد ارتباطات ما با آنها ادامه یابد و کتابهایی را برای آنها بفرستم.

مراسم افتتاح این کتابخانه با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ایران مقایسه و تشبیه می‌شود. محمد رضا شاه هم می‌خواست به وسیله آن جشنها تمدن و فرهنگ کهن ایران را احیا کند. دولت مصر عمدتا بر مبنای عرب‌گرایی و ناسیونالیسم و تجدید فرهنگ مصر باستان این پروژه را راه انداخته است. تحلیل شما چیست؟

قبلا گفتم که از اسلام در مراسم خبری نبود و بیشتر تکیه بر عرب و عرب‌گرایی بود. آنها معتقدند ما قدیمی‌ترین تمدن را داشته‌ایم و مظاهر تمدنی که یکی از مهمترین آنها کتابخانه است در مصر بوده است. از این رو می‌خواستند لیاقت‌ها و شایستگی‌های ملی خود را به جهان معرفی کنند. روز افتتاح و روز بعدش، سخنرانی‌ها معمولا خطابی و رسمی و کمتر علمی بود و محور همه آنها تمجید و تکریم ناسیونالیسم عربی و فرهنگ باستان بود.

با توجه به تعارضات جدالهایی که بین هخامنشیان و اسکندر وجود داشت. حتی عامل حادثه آتش سوزی تخت جمشید را اسکندر می‌دانند، آیا نکته یا نکاتی در این زمینه یعنی تعارض قدیم یا جدید اسکندر یا تمدن مصری با ایرانیان مطرح شد؟ نه بحثی در این زمینه وجود نداشت. روشی که انتخاب کرده بودند فقط اثبات بود و به نفعی دیگران نپرداختند. صرفا محاسن تمدن و فرهنگ خود و مظاهر آن را توصیف می‌کردند.

از نظر فناوری و دانش کتابداری چگونه‌اند؟

هنوز ابتدای کارشان است و نکته قابل توجهی دستگیرم نشد، می‌توان گفت در تهیه منابع نسبت به گستردگی پروژه و تبلیغات عظیم، چندان قوت نداشتند. زیرا فقط روی ۲۵۰ دستنوشته موجود مانور می‌دادند.

۲۶۰۰ نفر بودند که در روزهای بعد از روز افتتاح حضور داشتند. شخصیت‌هایی همچون ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه، همسر پادشاه اسپانیا، همسر پادشاه اردن، رئیس جمهور یونان، فرماندار کل استرالیا جزء آن ۲۵۰ نفر بودند. چیزی که برای من جالب بود، دعوت رئیس‌های کتابخانه‌های مهم جهان بود. رئیس‌های کتابخانه‌های کنگره آمریکا، ملی انگلستان، ملی فرانسه، نیز کتابخانه‌های توکیو، اسپانیا و ایرلند و بنده به عنوان رئیس کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی دعوت شده بودم.

راجع به تبلیغات مصری‌ها برای افتتاح بفرمایید؟ آنچه در شبکه جهانی روی سایت‌های مختلف بود، حجم زیادی داشت؟ سایت اطلاع‌رسانی برای کتابخانه طراحی و تأسیس کرده بودند که ظاهرا دومین یا سومین سایت دنیا است. برنامه‌نویسی و سایت‌سازی قوی و پر دامنه‌ای را انجام داده‌اند. یک ماهواره برای کتابخانه استخدام کردند. خبرنگاران، طراحان، روزنامه‌نگاران زیادی را به کار گرفته بودند که هر چه می‌تواند بیشتر تبلیغات را حجیم و وسیع کنند. البته در بعد علمی-تبلیغاتی هم کار کردند. مقالات متنوع و متعددی را از سراسر جهان گرفتند و به صورت کتاب چاپ کردند یا بعضی را روی شبکه جهانی قرار دادند.

فضای فرهنگی حاکم بر افتتاح و مراسم جنبی آن آیا متأثر از فرهنگ اسلامی بود؟ آیا نمودهایی از اسلام به چشم می‌خورد یا صرفا اتکا بر کهن‌گرایی و فرهنگ باستانی مصر داشتند؟

در این مراسم فقط یک بار "بسم الله" گفته شد. در ابتدای مراسم آقای حسنی مبارک بسم الله را بر زبان جاری کرد. شاید اینهم به خاطر وضع داخلی مصر و گرایش‌های شدید اسلامی بسیاری از مردم بود. به هر حال ورود اسلام به شمال آفریقا و مصر بر اثر استقبال مردم این دیار بود سابقه مثبت مصر در دوره اسلامی اقتضا می‌کرد که نمادهایی از اسلام در این مراسم وجود داشته باشد. تشیع در مصر همواره حضوری چشمگیر داشته است. حکومت فاطمیان که چند سده تداوم داشت، شیعی مذهب بودند و پس از آنها نخله‌های شیعی جمعیت قابل توجه در مصر بوده‌اند. در کنار آنها، اهل سنت مصر که اغلب شافعی مذهب می‌باشند نیز اکثریت جمعیت مصر را تشکیل می‌دهند.

گذشته از اینکه شعائر مذهبی و دینی نمودی نداشت، آداب غیر دینی به وفور اجرا می‌شد. مثلا رقاصه‌هایی از کشورهای غربی و حتی آمریکا آورده بودند که می‌رقصیدند. چند سیاه پوست آورده بودند که به طور مختلط موسیقی پاپ اجرا می‌کردند. گروه‌های خواننده و نوازنده از کشورهای مختلف از جمله هند، انگلستان، ایتالیا، و آمریکا آورده بودند. در دقائق آخر

به هر حال باید چند سالی بگذرد تا توانایی‌های آنها در عمل مشخص شود. صرفاً تبلیغات آنها را نمی‌توان مبنای داوری قرار داد.

از نظر طرح‌های علمی فهرست نویسی، رده بندی و دیگر شئون کتابداری، طرح علمی قابل توجهی نیافتیم. بعید می‌دانم کادر علمی در سطح بالا در عرصه فنون کتابداری در اختیار داشته باشند.

آیا بخش فهرست نویسی نسخه‌های خطی دارند؟

خیر هنوز کاری نکرده‌اند. بعداً می‌خواهند بخشی ایجاد کنند.

کتابخانه شما به لحاظ پیشرفتگی‌هایی که دارد به ویژه در امور نسخه شناسی و فهرست نویسی آیا با آنها برای همکاری قرار و مدارهایی گذاشتید؟

چون اخذ ویزای مصر بسیار مشکل است. حتی رفتن آمریکا راحت‌تر از مصر است. از اینرو مجبور بودم فرصت را غنیمت شمرده و تفاهم نامه‌های پیشین که داشتیم را تجدید کنم یا سامان دهم. فرصت بسیار کوتاه و محدودیت‌ها فراوان بود. قرار می‌گرفتم قبلاً با معهد مخطوطات داشتیم، آن توافق نامه تجدید شد. لازم به ذکر است که هم اکنون اختلافی بین دولت مصر و کویت بر سر معهد مخطوطات وجود دارد. این معهد در مصر شکل گرفت بعد از چند سال به کویت منتقل شد و در سالهای جنگ عراق و کویت مجدداً در مصر مستقر شد. الآن دولت کویت خواستار بازگرداندن آن به کویت است ولی مصر می‌گویند، اصل آن مصری است و باید در همین کشور باشد.

چند توافقنامه در زمینه تبادل اطلاعات میکرو فیلم، نرم افزارهای نسخ یا فهرس آنها و شرکت در کنفرانس‌ها نیز داشتیم. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به قاهره رفتم و با رئیس دارالکتب یک تفاهم نامه به امضا رساندم. هنوز دست خط من آنجا موجود است با اینکه از آن زمان تا کنون ده رئیس عوض کرده است. در این تفاهم نامه بندهایی راجع به مرمت کتاب، آموزش کتابداران مرجع و فهرست نویسان مصری توسط کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی هست. هم اکنون کسانی از پاکستان، یمن و جاهای دیگر در کتابخانه ما آموزش می‌بینند و به اخذ مدرک نائل می‌گردند.

با مرکز الدراسات الشرقیه (مرکز مطالعات شرق شناسی) وابسته به دانشگاه قاهره که هم اکنون در گروه زبانهای غیر عربی دویمست و پنجاه دانشجوی دوره دکتری زبان فارسی دارد و با دانشگاه ادبیات آن دانشگاه گفتگوهایی داشتیم. مناسب است

از آقای دکتر ابراهیم دسوقی شتا یادی کنم که قبل از وفاتش در نزدیکی ما به نهادهای فرهنگی مصر کمک فراوان کرد. او چند کتاب از امام را به عربی ترجمه کرده است. این خبر برای شما و دیگر خوانندگان شاید جالب باشد: بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر بسیاری از دانشجویان، زبان دوم را فارسی انتخاب می‌کنند. دانشجویان به خوبی فارسی را می‌آموزند به گونه‌ای که موقع تکلم نمی‌توان تشخیص داد که ملیت غیر ایرانی دارد. به هر حال قرار شد برای این مراکز مطبوعات و کتاب بفرستیم و نیازهای آنها را مرتفع کنیم.

در این مراسم آنقدر کتابخانه ما شناخته شده بود که هر کسی کارت مرا می‌دید، اظهار آشنایی می‌کرد. این به دلیل ارتباطات و روابط وسیع ما با دنیا است و مهمانانی است که هر روز از سراسر جهان داریم. برای نمونه مشاور امیر امارات شیخ زاید وقتی مرا دید، گفت: به کتابخانه شما آمده‌ام و همواره مبلغ کتابخانه عظیم شما هستم.

رابطه آن کتابخانه با الازهر به عنوان یک نهاد کاملاً دینی و اسلامی چگونه بود؟

رابطه داشتند ولی خیلی کم رنگ بود. زیرا از الازهر کسی دعوت نشده بود یا اگر شده بود، نیامده بودند. آقای عمر هاشم رئیس دانشگاه الازهر قبلاً به ایران آمده است. نیز سال قبل در ازبکستان کنفرانس داشتیم و آمده بود. گویا دعوت شده بود ولی نیامده بود.

راجع به رئیس کتابخانه آقای اسماعیل سراج الدین بفرمایید؟ آیا تخصص کتابداری یا اسلامی دارد؟ شخصیت علمی

و فرهنگی است یا صرفاً مدیر اجرایی می‌باشد؟

آقای اسماعیل سراج الدین در آمریکا تحصیل کرده است و دکتریش را از آن کشور در رشته آب و آبیاری گرفته است. علت نصب ایشان به مدیریت را نمی‌دانم. شاید مدیریت خوبی داشته باشد. رئیس بخش مخطوطات آقای دکتر یوسف زیدان است که فرد دانشمندی است و تألیفاتی دارد. بنده از سراج الدین کتابی ندیده‌ام. مهم آن است که رئیس هیئت امنای کتابخانه خانم سوزان مبارک همسر آقای مبارک است و نقش زیادی در تصمیم‌ها و تدبیرهای کتابخانه دارد.

با تشکر از جناب آقای مرعشی نجفی که در این گفتگو شرکت فرمودند.